



## از دل افریقا تا گشترهای دنیای جدید رویکردهای آمریکائی به تاریخ برده داری

فرانسه از این پس هر ساله روز ۱۰ ماه مه را وقف یادبود برده داری و برده فروشی خواهد کرد. در چنین روزی در سال ۲۰۰۱ مجلس ملی فرانسه با تصویب قانونی موسوم به توپیرا، بنام نماینده پیشنهاد کننده آن از استان ماوراء بحار گویان، آنچه در دوران برده داری گذشت را «جنایتی علیه بشریت» شناخت. چنین گرامیداشتی هنگامی معنائی تواند داشت که دوراز هرگونه مردم فریبی به واقعیت کنونی نژادپرستی بیاندیشیم. پژوهش و گفتگو در باره برده داری و برده فروشی در جامعه آمریکا که بیشترین بهره را از آن برد، از هر جای دیگری پرمایه تر بوده است.

دیر زمانی است که فروش بردگان سیاه پوست موضوع بحث و گفتگوهای سرسختانه ای شده است. کارزار اخلاقی و سیاسی که مخالفان برده داری در طول نیمه دوم قرن هجدهم برآه انداختند و نخست با پیکارها و بحث های ضد استعماری گره خورد و سپس با تجزیه و تحلیل های نقادانه تجدد خواهی و دوران پس از استعمار به هم آمیخت، هنوز هم به جای خود باقی است. بدینسان خرید و فروش سیاهان موضوع حادی شده است که حتی فرهیختگان جامعه هم از اطلاعات گمراه کننده ای که در باره آن پراکنده می شود در امان نمانده اند. با این همه در ایالات متحده، تاریخدانان و خبرنگاران دیگر در باره پرسش های بسیاری به اتفاق نظر گسترده ای رسیده و توانسته اند بطرز قاطعی شیوه پدیدار شدن داد و ستد برده در طول کناره های باختری افریقا، چگونگی راه گشودن آن به سوی اروپا و قاره آمریکا و نحوه ای که تجارت برده جوامع هر دوسوی اقیانوس اطلس را دگرگون ساخت ترسیم نمایند.

ادامه در صفحه ۳

## در آستانه سنگسار!!

رژیم زن ستیز و آزادی کش جمهوری اسلامی باردیگر فرصت را مغتنم شمرده و در پی گسترش اعتراضات زنان به قوانین ارتجاعی و تبعیضات جنسی، بویژه تجمع اعتراضی در پارک لاله که با سرکوب و دستگیری گسترده مواجه شد، قصد دارد با سنگسار انسان دیگری، از زنان مبارز زهرچشم گرفته و آنها را از ادامه اعتراضات و مبارزاتشان برحذر دارد. غافل از اینکه زنان مبارز علیرغم این سرکوبگریها و زهرچشم گرفتن ها به مبارزه و مقاومت شان تا رهائی کامل ادامه خواهند داد و این سرکوبگریها درآزاده آنها خللی ایجاد نخواهد کرد.

ادامه در صفحه ۶

## // استانهای تهران، خراسان، فارس و گیلان دارای بیشترین کودک خیابانی //

کودکان کار یکی دیگر از تبعات نظام سرمایه داری است که از شیوه تولید و مناسبات حاکم بر آن جدائی ناپزیر، البته بیشترین وانبوه ترین کودکان قربانی این نظام درفقیر ترین کشورهای جهان مورد بهره کشی و ستم و استثمار سرمایه داران واقع میشوند. کشورهای فقیر و عقب ماندگی آنها خود محصول تعرض و توطئه های نظامهای پیشرفته تر سرمایه داری است. ظاهرا ممکن است ادعا شود که سرمایه داری دربرخی از کشورهای پیشرفته نظیر سوئد کلا کار کودکان را ممنوع کرده و این معضل را حل نموده است. اما شواهد و قرائن خلاف آن را ثابت میکند. چرا که امروزه شرکتها و صنایع این کشور ها با سرمایه گذاری در کشورهای فقیر و انتقال کارخانه ها و مراکز تجاری خود به این کشورها بیشترین کودکان را در تولید محصولات خود برده وار مورد استثمار قرار میدهند. امروزه اغلب محصولات بویژه البسه مصرفی کشورهای سرمایه داری توسط این شرکتها با استفاده از نیروی ارزان کودکان تولید و به فروش میرسند. هر ساله صاحبان صنایع، انحصارات و موسسات دولتی این کشورها میلیاردها دلار از قیل استثمار کودکان در کشورهای عقب مانده تر سرمایه داری سود به جیب میزنند. در این میان البته تکلیف کشورهای نظیر ایران که در آنها از حق تشکل، تحزب، آزادی بیان و اعتصابات و اجتماعات خبری نیست ستم و استثمار کودکان از ابعاد بسیار وحشتناک برخوردار است. میلیونها کودک از تحصیل محروم و بدلیل ناتوانی اقتصادی خانواده ها درگرداندن اقتصاد خانواده اسیر دست سودجویان و سرمایه دارانی میشوند که آنها را وحشیانه مود استثمار و ستم قرار میدهند و صدایشان و فریاد اعتراضشان هرگز گوش شنوائی نمییابد. گزارش زیر تنها گوشه ای کوچک از وضعیت وخامت بار کودکان کار در ایران را منعکس میکند.

براساس این گزارش «تعداد کودکان خیابانی در استانهای مختلف متفاوت است، چنانچه استانهای تهران، خراسان، فارس و گیلان دارای بیشترین کودک خیابانی و برخی استانها مانند کهگیلویه و بویراحمد و خراسان به جای کودکان خیابانی دارای کودکان کار و فصلی هستند.

ادامه در صفحه ۲

## عملیتهای جنگی در راستای تغییر توازن قوا وصف آرانیهای موجود در منطقه

ادامه در صفحه ۶

## بیانیه آی ال او - بروکسل

کمیته آزادی تشکل های کارگری کنفرانس آی ال او ادامه در صفحه ۷

رضایی فر، معاون دفتر آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی با اشاره به این که ۱۰ درصد کودکان کار و خیابان پذیرش شده در مراکز کودکان خیابانی رسوب می‌کنند، افزود: اکثریت آنها به خانواده باز می‌گردند و بیش از ۹۰ درصد آنها ارتباط مستقیم با خانواده دارند که این خانواده ممکن است نابسامان باشند که باید بر توانمندسازی آن تاکید کرد.

وی یادآور شد: نباید فراموش کرد که خانواده در تعامل با کل جامعه است و از آنجایی که میانگین بعد خانوار کودکان کار و خیابان ۷ نفر است، سرپرست خانواده قادر به تأمین معاش خانواده نبوده و در نتیجه نیازمند درآمد کودک خود است.

به گفته رضایی فر این شرایط برای خانواده‌های نابسامان و معتاد به مراتب سخت‌تر است.

معاون دفتر آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی با بیان این که امسال ۲ میلیارد و ۳۵۰ هزار تومان اعتبار جهت اجرای آیین‌نامه ساماندهی کودکان کار اختصاص یافته است، افزود: در صورت امضای موافقتنامه‌های بودجه ظرف دو هفته آینده، امیدواریم در سال جاری خدمات‌رسانی به کودکان کار و خیابان با کیفیت‌تری در استانها انجام شود.

به گفته وی این اعتبار بین استانها بر اساس تعداد کودکان کار و خیابان و مراکز فعال این کودکان توزیع می‌شود.

صمدی، مدیرکل دفتر آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی نیز خاطرنشان کرد: علت اصلی ورود کودکان به خیابان، فقر خانواده‌های آنهاست، لذا توانمندسازی و تلاش در جهت حمایت‌های مالی از این خانواده‌ها اهمیت بسیاری دارد.

وی یادآور شد: دستگاه‌های مختلف از جمله وزارت کار و امور اجتماعی در جهت ایجاد اشتغال برای خانواده‌های کودکان کار و وزارت آموزش و پرورش برای تسهیل شرایط تحصیل این کودکان، سازمان بیمه خدمات درمانی در جهت بیمه آنها بر اساس آیین‌نامه ساماندهی کودکان کار وظایفی را عهده‌دار هستند که هماهنگی این دستگاهها در اجرای صحیح این آیین‌نامه اهمیت بسیاری دارد.

// ۵۵ درصد کودکان کار و خیابان جمع‌آوری شده در سال گذشته از افغانه بوده‌اند //

دکتر رضایی فر، معاون دفتر آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی در پاسخ به سؤال ایسنا در خصوص این که با توجه به نیازمند بودن خانواده‌ها به درآمد کودکان چرا شرایط سالم‌تری برای کار این کودکان فراهم نمی‌شود، افزود: با وجود منع کار کودکان زیر ۱۵ سال از سوی سازمان بین‌المللی کار، باید با دید واقع‌بینانه به این موضوع نگریست.

وی با بیان این که در مشهد شرایط مناسبی برای کار سالم کودکان فراهم شده است، افزود: در این استان کودکان کار با لباس فرم در چهارراهها به روزنامه‌فروشی مشغول هستند و این کودکان دارای حساب بانکی بوده و تحت پوشش بیمه حوادث هستند. مردم و پلیس نیز نسبت به فعالیت این کودکان توجیهند و این کودکان در پایان روز به مددکار موجود در پناهگاه می‌دهند تا به حساب آنها واریز شود.

معاون دفتر آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی خاطرنشان کرد: البته هر فرایندی باید با توجه به شرایط اقلیمی، فرهنگی و بافت جغرافیایی آن منطقه دیده شود.

وی با تأکید بر لزوم داشتن دید کلان در خصوص آسیب‌های اجتماعی افزود: ۵۵ درصد کودکان کار و خیابان جمع‌آوری شده در سال گذشته از افغانه بوده‌اند که باید در سطح کلان برنامه‌ریزیهای مناسب در خصوص خروج افغانه از کشور صورت گیرد.

به گزارش ایسنا، معاون دفتر آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی در خصوص آمار کار سیاه کودکان، افزود: بر اساس اعلام نیروی انتظامی باند تعریف شده کار سیاه کودکان وجود ندارد، البته برخی تشکیلات

سازمان یافته‌ای حدود ۲۰ نفره از کودکان هستند که در زمینه مواد مخدر فعالیت می‌کنند.

رضایی فر به تحقیقی بر روی کودکان کار و خیابان اشاره کرد و افزود: دکتر حسن حسینی در تحقیقی به بررسی وضعیت کودکان کار و خیابان در کشور پرداخته است که این تحقیق بر روی ۵۰۶ کودک خیابان و ۵ شهر کشور شامل تهران، مشهد، شیراز، اهواز و رشت انجام شده است. وی تصریح کرد: نتایج این تحقیق نشان داد که میانگین سنی کودکان کار در کشور ۱۳/۳ است و ۹۵ درصد آنها پسر هستند. همچنین ۲۰ درصد ترک تحصیل کرده و ۸۷/۵ درصد به همراه خانواده مهاجرند.

رضایی فر یادآور شد: میانگین مدت مهاجرت این خانواده‌ها ۶/۳۵ سال بوده است و ۸۹ درصد دارای پدر و ۹۶ درصد دارای مادر و ۹۰ درصد دارای سرپناه هستند.

معاون دفتر آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی با اشاره به این که دستمزد ۸۸/۲ درصد کودکان روزانه ۵ هزار تومان بود، افزود: ۶۰ درصد کودکان از شغل خود راضی هستند.

به گفته وی ۹۵ درصد کودکان کار سابقه کیفری نداشته‌اند.

### // مراکز حمایت از کودکان کار و خیابان در پارکها ایجاد شود //

### // پلیس در کشور باید دارای نگاه مددکاری به کودکان کار و خیابان باشد //

قاسم حسینی، عضو هیات مدیره انجمن حمایت از کودکان کار نیز در ادامه با اشاره به این که در طی سالهای اخیر به کودکان کار نگاه حذفی وجود داشته است، افزود: نگرشهای جامعه و مسئولان باید به کودکان کار و خیابان تغییر یابد، چرا که این کودکان باید همانند سایر کودکان از حقوق اجتماعی برابر برخوردار باشند.

به گزارش ایسنا، وی خاطرنشان کرد: به نظر می‌رسد نگاه برخی مسئولان در خصوص آسیب‌های اجتماعی مانند کودکان کار و خیابان، اصلاح چهره اجتماعی شهر است.

حسینی در خصوص ایجاد شرایط سالم کار کودکان اظهار کرد: باید در خصوص کودکان کار نگاه پیشگیرانه و در عین حال درمانی داشته باشیم.

وی خاطرنشان کرد: انجمن حمایت از کودکان کار از سال ۸۱ در خصوص فعالیتهای خود را در زمینه کودکان کار آغاز کرده و ۷۰۰ کودک را تحت حمایت خود قرار داده است.

عضو هیات مدیره انجمن حمایت از کودکان کار، در ادامه پیشنهاد داد که محلی در تمامی پارکها به منظور محلی برای اقامت چند ساعته کودکان کار و استراحت آنها و ارائه خدمات فرهنگی و آموزشی ایجاد شود.

وی خاطرنشان کرد: البته حمایت‌های شهرداری برای اختصاص فضای مناسب و همچنین نیروی انتظامی به منظور پیگیری در موارد ارجاعی از سوی مددکار مستقر در کار قابل توجه است.

حسینی با اشاره به محرومیت کودکان افغانه از آموزش و تحصیل افزود: باید وزارت آموزش و پرورش شرایطی را فراهم کند که تحصیل کودکان افغانی فراهم شود، چرا که در این صورت بخش عمده مشکلات در زمینه ساماندهی کودکان کار و خیابان حل خواهد شد.

عضو هیات مدیره انجمن حمایت از کودکان کار، بر لزوم آموزش پلیس در برخورد با کودکان کار و خیابان تاکید کرد و افزود: پلیس در کشور باید دارای نگاه مددکاری به کودکان کار و خیابان باشد.

حسینی افزود: تمامی مدارس باید دارای مددکار و روانشناس باشند، چرا که در این صورت از بروز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی جلوگیری می‌شود.

وی با تأکید بر لزوم حمایت‌های اجتماعی از خانواده‌ها اظهار کرد: طرح خروج کارگاههای زیر ۱۰ نفر از قانون کار از جمله مواردی بود که

## // استانهای تهران، خراسان، فارس و گیلان دارای بیشترین کودک خیابانی //

موجب دیده نشدن حقوق کارگر شد و در این خانوارها با بیکار شدن و یا از کار افتاده شدن پدر، از آنجایی که اغلب مادران فاقد مهارتهای اجتماعی لازم برای تامین معاش خانواده هستند، فرزندان وارد بازار کار می‌شوند.

به گفته وی در این جهت توانمندسازی زنان به منظور جلوگیری از ورود کودکان به بازار کار اهمیت بسیار دارد.

حسنی تاکید کرد: کودکان باید از حمایت‌های گسترده و فراگیر اجتماعی مانند بیمه و درمان رایگان برخوردار باشند.

به گزارش ایسنا، رضایی‌فر، معاون دفتر آسیب دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی نیز در ادامه با تاکید بر این که وجود مراکز خدمات اجتماعی ثابت در پارکها از چند سال پیش در کشور احساس شده است، افزود:

### از دل آفریقا تا کشتزارهای دنیای جدید رویکردهای آمریکائی به تاریخ برده داری

مطالعه برده فروشی از گذار اقیانوس اطلس، همانند مطالعه برده داری، همواره با نكوهشی آغاز می‌گردد که عمیقا در این رشته پژوهشی ریشه دوانده است. اما پس از تاکید بر درد و رنج قربانیان، توجه خود را بر ساماندهی برده فروشی و ایستادگی هائی که با آنها روبرو شد متمرکز ساخته ایم.

در سال ۱۹۶۹ فیلیپ د. کرتن کتاب «تجارت برده در حوزه اقیانوس اطلس: یک بررسی آماری» را منتشر ساخت که در کمتر از سیصد صفحه کوشیده است برآوردی از حجم انسانی این تجارت طی چهار سده تاریخ برده فروشی، از قرن شانزدهم تا قرن نوزدهم، به دست دهد. با تکیه بر منابع انتشار یافته که با همه پراکندگی بطور گسترده ای در دسترس بوده اند، وی صادقانه اذعان دارد که نتایج پژوهش هایش را میتوان هر چیزی جز باریک بینی و دقت دانست.

با اینهمه توانسته است نشان دهد چگونه مکان های برده گیری و مقاصد داد و ستد بردگان جابجا می‌شد و چگونه شمار بردگانی که به چنگال این سوداگری گرفتار می‌آمدند در طول دو قرن و نیم هستی نظام برده داری بطور منظم افزایش می‌یافت، تا در کوران قرن هجدهم، پیش از آنکه در قرن بعد کاستی گیرد، به اوج انبوهی چشمگیری برسد. در عصری که کرتن اثر خود را می‌نوشت تخمین می‌زدند که این داد و ستد از ۱۵ تا ۲۵ میلیون برده را در بر گرفته باشد. اما برآورد خود وی از رقم ۱۰ تا ۱۲ میلیون تن برده خبر میداد. با اینهمه تاره ترین بررسی ها برآورد افزون تری را میسر ساخته و این رقم را بین ۱۲ تا ۱۵ میلیون تن بالا برده اند (۱). اما به غیر از این ارقام، هیچ چیز بنیادی دیگری در چهره ای از برده داری که کرتن ترسیم کرده بود، از صادرات و واردات برده گرفته تا زمان بندی آن تغییر چندانی نکرده است.

در عوض دریافت ما از رابطه میان اقتصاد سیاسی برده فروشی در طول زمان بسیار درازی که این داد و ستد در حوزه اقیانوس اطلس و نیز در آفریقای باختری در جریان بود دگرگون گردیده است، زیرا پژوهشگران توانسته اند رشته ای از دیدگاه های ساده انگارانه را از اعتبار بیاندازند. در آغاز قرن بیستم، گرایش برخی تاریخدانان بر آن بود که با فرافکنی چشم اندازهای استعمارگرانه خویش، برده داری و خرید

هم‌اکنون در شهر مشهد سه پایگاه در پارکها ایجاد شده است و مددکار و روانشناس در اتفاکی که از سوی شهرداری در اختیار آنها گذاشته شده است، با گردش در پارک به کشف موارد دختران در معرض آسیب می‌پردازند.

وی خاطر نشان کرد: البته نباید از لزوم ارتباط بین سیستمهای مددکاری مستقر در پارکها و سازمان بهزیستی به منظور حمایت از خانواده‌های نیازمند غافل ماند. رضایی‌فر یادآور شد: نقش مددکار در مدارس بسیار قابل توجه است، چرا که مددکار در مدارس می‌تواند با مشاهده تغییر رفتار در کودک و وضعیت تحصیلی وی به پیگیری موضوع از خانواده و رفع مشکل بپردازد و اغلب دختران فراری در ابتدا از مدارس گریزان می‌شوند و سپس در معرض انواع آسیبها قرار می‌گیرند.



و فروش بردگان را چون فعالیتی کم و بیش سودمند بنگرند که اهمیت تمدن سازی در تاریخ آفریقا داشته است. اینها می‌گفتند که برده فروشی شاید کافران بدوی و جاهل را از قاره سیاه دور کرده باشد تا به محیطی بسیار که ماهیت آن خوی پیشرفته تر غرب و بالاتر از آن مسیحائی را به آنها بیاموزد. کوتاه سخن، به زعم اینها خرید و فروش برده در متن تجربه گسترده آموزنده ای جای می‌گرفت که همزمان از یکسو دریچه ای به سوی تأثیر تمدن آفرین اروپا به روی آفریقای فرورفته در غرقاب جهل می‌گشود و از سوی دیگر بردگان را در معرض تأثیر کدخدایانه صاحبان اروپائی و آمریکائی خویش قرار میداد.

آراء ناهمساز دگراندیشان به ویژه از میان تاریخدانان سیاه پوست هم بگوش می‌رسید. اما می‌بایست چشم براه فردای جنگ جهانی دوم و آغاز جنبش هائی به سود آزادی مستعمرات و حقوق مدنی ماند تا بینش دیگری مخالف عقاید پیش ساخته روی بنماید، که سوداگران برده را متجاوزان و استعمار گرانی می‌نگریست که میلیون ها آفریقائی را از زادگاه خود برکنند تا به دوزخی پرتاب کنند. تجارت برده و استعمارگران اروپائی چون عناصر تاراج آفریقا به قصد فراهم آوردن سرمایه صنعتی کردن و پیشرفت اقتصادی اروپا و آمریکای شمالی عرضه می‌شدند. همانگونه که پژوهشگران پیکار جوئی نظیر اریک ویلیامز، بومی ترینیت و توباگو و والتر رودنی از اهالی گویان شرح می‌دهند پیشرفت اروپا و عقب ماندگی آفریقا همگام تحول یافتند.

این دیدگاه عمیقا نوآور، توان اخلاقی و سیاسی خویش را نگه داشته و همواره هوادارانی در برخی حلقه های روشنفکران و بسیاری از موسسات آموزشی یافته است، زیرا تا اندازه ای به برجسته سازی ناپایداری نیروهای بین المللی پرداخته که به بندگی کشاندن آفریقائیان را ممکن ساختند. اما اندک اندک دریافت متفاوتی از پژوهش های اخیر صورت می‌بندد که بازنویسی تاریخ برده داری را پیچیده تر میسازد.

اکنون میدانیم که اروپائینی که از نیمه قرن پانزدهم به محاذات سواحل باختری قاره آفریقا دریانوردی می‌کردند جهانی یافتند که از لحاظ اقتصادی و سیاسی به چنان مرتبه ای از توسعه رسیده بود که می‌توانست با سرزمین های خود آنها همسری کند. آفریقائیان به بهره وری از معادن، صنعت، کشاورزی و دامداری پرداخته و از قرنهای پیش مناسبات بازرگانی با کشورهای دور دست خصوصا با سرزمین های شمالی برقرار ساخته بودند. در هیچ لحظه ای از تاریخ برده فروشی، آفریقا از لحاظ اقتصادی به کالاهائی که اروپا عرضه می‌کرد وابسته نبود. صرفا چیزی نبود که

اجتماعی و سیاسی داشته است. می پنداشتند که خرید و فروش برده مشوق جنگ هائی بود که در آفریقا در می گرفت و کاربرد سلاح هائی که اروپائیان فراهم آورده بودند آسیب های انسانی و سیاسی این جنگ ها را سنگین تر می کرد و بدون دخالت اروپائیان پیامدهای فاجعه آمیز جمعیتی آن بسیار کمتر از آنی می بود که آفریقائیان به واقع متحمل شدند.

دیگر نمیتوان آنقدرها به چنین برداشتی یقین داشت. چنین مینماید که پژوهشگران اکنون دیگر از این عقیده دست کشیده باشند که تقاضای اروپائیان در بازار برده اهمیتی در بروز جنگ میان کشورهای آفریقائی داشته است، که در واقع ملوک الطوائفی بودن انگیزه بخش بزرگی از آن کشمکش ها بود. وجود بردگان عمدتاً ناشی از نبرد های سیاسی میان دولت ها بود که در عین حال وسیله ای فراهم می ساخت تا قدرت خویش را استوار سازند و بدان مرکزیت بخشند. هرچند سلاح های اروپائی شاید در برخی موارد توانسته باشند اهمیتی یابند، اما هیچگونه دلیلی در دست نیست که همین سلاح ها انجام کار را رقم زده باشند. کوتاه سخن، بنظر نمی رسد بتوان این فرضیه را به اثبات رساند که تماس با اروپائیان منجر به بالا گرفتن کار ستیزه های نظامی در آفریقا شده و آنگاه آفریقائیان را ناچار کرده باشد در چهارچوب گونه ای پویائی برای بقا در برده فروشی از مسیر اقیانوس اطلس تن داده باشند. گرچه در جریان برخی کارزارها میان دولت های آفریقائی سلاح های اروپائیان به کار می رفت، اما رویهمرفته این سلاح ها جز تأثیری اندک در نحوه جریان یافتن و پیامد های این ستیزه ها به بار نیاوردند.

آثار جمعیتی کوتاه و دراز مدت برده فروشی را به دشواری می توان ارزیابی کرد. به عقیده هربرت کلاین (۳)، حدود سال های ۱۷۰۰ نزدیک به نیمی از جمعیت آفریقای حاره یعنی چیزی حدود ۲۵ میلیون تن در مدار تجارت برده قرار گرفته بودند. بنا بر ارقامی که وی ارائه داده است، رشد جمعیت در آن زمان بسیار کندتر شده و یا حتی کاهش مطلق یافته بود. به موجب برآوردهای خوشبینانه تر، نرخ رشد جمعیت به ۰/۲ کاستی گرفته بود. برآوردی بسیار بدبینانه تر، از نابودی خالص ۱۷ میلیون تن سخن به میان آورده است. از اینرو آشکارا آثار جمعیتی برده فروشی در برخی مناطق باختری آفریقا بسیار شدید بوده و توسعه اقتصادی آفریقا از آن لطمه هائی دیده که گاه اسف بار بوده است.

این پدیده بر هر دو کناره اقیانوس اطلس و سراسر قاره امریکا اثر گذارده بود. تجارت سیاهان دنیای کاملاً «نوبنی» برای آفریقائیان، اروپائیان و سرخ پوستان آمریکائی آفرید که در نیمکره غربی که در آن اشکال تازه ای از ساماندهی جامعه، تبادل فرهنگی و اعمال قدرت سیاسی پدیدار می گردید به یکدیگر رسیده بودند. برده داری در کشتزارهائی که به طور عمده بسوی تولید شکر برای عرضه به بازارهای شکوفای اروپائی گرایش یافته بود، عملاً در کانون چنین دنیائی قرار داشت.

کشت نیشکر پیش از آنکه به جزایر مده ریه، قناری و سائوتومه گسترش و سپس با گذار از اقیانوس اطلس به غرب راه یابد در آغاز پیرامون مدیترانه پدیدار گردیده بود. در سال های میانی سده شانزدهم، شمار کشتزارهای نیشکر در برزیل مستعمره پرتغال رو به افزایش نهاد و یک قرن دیرتر به یاری هلندیان جزایر آنتیلی فرانسوی و بریتانیائی را هم در بر گرفت. پس از دوران کوتاهی از مودن استفاده از کشتکاران محلی و سفید پوست که به موجب قراردادی به کار گماشته می شدند، بردگان آفریقائی که از طریق برده فروشی به خدمت برده داران در آمده بودند در همه جا نیروی کار کشتزارها شدند.

اروپائیان بتوانند به آفریقا بفروشند که خود نتواند تولید کند، مگر کالاهای تجملی مانند اشیاء آهنی یا مسی، صدف های گران بها که آن زمان چون پول رایج دست بدست می شد، جواهرات یا آشامیدنی های گوناگون الکلی که آفریقائیان ممکن بود هوس کنند.

برده فروشی در دو سوی اقیانوس اطلس در چهارچوب گسترش مناسبات بازرگانی میان اروپائیان و ساکنان باختر آفریقا و به ویژه از درون نظام برده داری و خرید و فروش بردگان برمی خاست که دیر زمانی بود در آفریقا رواج داشت. عقیده پراکنده میان مردم که برده داری را اساساً ابداع اروپائیان و در سیمای نژادی اش ثمره دوران تجدد می پندارد بسیار از حقیقت دور است. نظام برده داری در مقیاس گسترده، به دوران باستان بر می گردد که در بخش گسترده ای از جهان پدیدار گردیده بود.

بهره گیری از بردگانی که عمدتاً اسپران جنگی بودند بسیار پیش از قرن پانزدهم در آفریقا گسترش یافته بود. غالباً بردگان را جزو دارائی بازرگانان و یا کارمندان دولت به شمار می آوردند که برای آنها سرمایه گذاری های خصوصی یا گماشتگان وفادار قلمداد می شدند. از همان قرن نهم، خرید و فروش پر رونق بردگان میان غرب و شمال آفریقا گسترش می یافت و ابشخور این سوداگری محافظی در کناره های مدیترانه و خاور میانه بود که مسلمانان بر آن چیرگی داشتند. به دیگر سخن تجارت برده به مقصد کناره دیگر اقیانوس اطلس پیش از آنکه واقعیت تحمیلی تازه اروپا بر آفریقا باشد، گونه متفاوت نظام بیش از پیش خشونت آمیزی بود که همانوقت ها هم پا برجا بود.

خرید و فروش دیرینه بردگان در درون قاره سیاه حکایت از آن داشت که نه فقط اروپائیان می توانستند از تجربه آشنای آفریقائیان باختری بهره گیرند، بلکه همچنین از همان آغاز بخش عمده برده فروشی در دست خود آفریقائیان باقی مانده بود. سواى استثنائاتی کمیاب، آفریقائیان خود بر همه مراحل خرید و فروش بردگان، از به اسارت گرفتن و به بندگی کشیدن در زمان جنگ های داخلی گرفته تا حمل و نقل به کناره اقیانوس که آنان را دست آخر به اروپائیان می فروختند چیرگی داشتند. اروپائیان شاید ترجیح می دادند که قدرت مستقیم خویش را بر کناره های باختری آفریقا اعمال کنند و بر منابع برده گیری تسلط یابند. اما توان سیاسی و نظامی کشورهای گوناگون آفریقائی همانند شبکه های اقتصادی که بنا کرده بودند، آنان را از رسیدن به مقصود خویش باز می داشت.

آفریقائیان عموماً در پایان کشمکش های نظامی میان کشورهای اروپائیان چندان نفوذی در آنها نداشتند یکدیگر را به اسارت می گرفتند و به بندگی میکشانند. اغلب بردگان به مرکز باختری آفریقا تعلق داشتند که هنگام جنگ های کشورگشایانه ای به اسارت در می آمدند که کشور هائی چون کنگو به راه می انداختند. بردگان مشخصاً در فرایند مرکزیت یافتن قدرت دولتی اهمیت به سزائی داشتند. روانه کردن آنها از درون قاره به کناره اقیانوس اطلس بدست خود آفریقائیان انجام می گرفت که سر پناهی به بردگان می دادند و سپس مستقیماً به برده داران اروپائی می فروختند. اروپائیان در تدارک آن یا نقشی نداشتند یا سهم ناچیزی بر عهده می گرفتند. اروپائیان که به زنجیره ای از پست های دیده بانی در طول کناره های باختری آفریقا عقب رانده شده بودند می توانستند از همان جا کسب و کار خود را با شرائطی که اساساً آفریقائیان تعیین می کردند دنبال کنند (۲).

تأثیر برده فروشی در دو سوی اقیانوس اطلس بر جوامع آفریقائی چه بوده است؟ با در دسترس نبودن پاسخ روشنی به این پرسش بینش تازه ای پا می گیرد. اندکی پیش از این، تاریخدانان عقیده داشتند که برده فرشی تأثیر ویران کننده ای هم بر مردم و هم بر ساماندهی

بردگانی که به مهاجرنشینان مبتنی بر اقتصاد کشت نیشکر رانده شدند زندگی «رنج آور و بی رحمانه و کوتاهی» را سپری می کردند. در سال ۱۶۵۰ هرساله ۷ هزار برده و بیشتر آنها در برزیل از راه می رسیدند؛ در سال ۱۷۰۰ شمار تازه واردان به رقم سالانه ۲۵ هزار تن نزدیک بود که میان برده داران پرتغالی، بریتانیایی، فرانسوی و اسپانیولی تقسیم می شدند. اوج واردات برده در میانه قرن هجدهم بود که بین ۶۰ تا ۸۰ هزار برده را هرساله به قاره امریکا گسیل می کردند. اقتصاد نیشکر در آنوقت بهره وری هنگفتی داشت. کشتکاران می پنداشتند که اگر از بردگان خود تا جائی که از نفس بیافتند کار بکشند و سپس بردگان تازه نفسی برای جایگزینی از پا افتادگان بخرند، از تشویق بردگان به زاد و ولد طبیعی ارزن تر از آب در می آمد. سالهای عمر بردگانی که توانسته بودند گذر از اقیانوس اطلس را تاب بیاورند انگشت شمار بود.

آمریکای شمالی خصوصیت ویژه ای در این فرایند تاریخی داشت. از یک سو هنگام آزادسازی بردگان در دوران جنگ انفصال، ایالات متحده بسیار بیش از هر جامعه دیگری پرشماترین جمعیت بردگانی را دارا بود که تعداد آنها تقریباً به ۴ میلیون تن می رسید. هرگز پیش از آن جمعیت بردگانی بدان اهمیت در قاره امریکا گرد نیامده بود، که بیش از دوبرابر تعدادی بود که در هر لحظه ای از تاریخ برزیل در آن کشور وجود داشت و حدود ده برابر بیش از جمعیت بردگان سن دومینیک (که اکنون هائیتی نامیده می شود)، مستعمره ای که درست پیش از شورش بزرگ بردگان در سال های دهه ۱۷۹۰ اقتصاد نیشکر آن در جهان از همه سود اورتر بود. از سوی دیگر همین ایالات متحده (ابتدا به صورت مستعمره و سپس در هیئت کشوری مستقل) در مقام سنجش با ۱/۶ میلیون در جزایر آنتی بریتانیا، حدود ۱/۷ میلیون در جزایر آنتی فرانسه و بیش از ۴ میلیون در برزیل، کمترین تعداد یعنی ۴۰۰ هزار تا ۶۰۰ هزار برده را وارد کرد.

میانگین عمر بسیار بالاتر بردگان آمریکای شمالی نه به دلیل رفتار «بهتر» با آنان بلکه به واسطه کشتکاری هائی بود که مرارت کمتری داشت و در بازارهای بین المللی سود کمتری میداد. هرچند کاشت نیشکر در دره می سی سی پی سفلی، در پیرامون نیو اورلئان توسعه می یافت، اما غالب این کشتزاران تنها پس از پایان دوران برده فروشی از مسیر اقیانوس اطلس پدید آمدند. در دیگر جاها بردگان را در کشتزارهای تنباکو یا گندم و نیز برنج زاران به کار می گماشتند که مرگ و میر در آنها عموماً کمتر از مهاجرنشینان کشت نیشکر بود. میانه قرن هجدهم جمعیت بردگان امریکا به طور طبیعی زاد و ولد می کرد. بدون شک دلیل آنکه برده داران در سال ۱۸۰۸ پس از یک دهه واردات پر تب و تاب، منع برده فروشی را پذیرفتند همین است. رونق پنبه که ایالات جنوبی را نخستین قدرت جهانی برده داری ساخت، تنها پس از آن پیش آمد. نیروی کار پنبه زاران به زاد و ولد بردگان و نیز گونه دیگری از برده فروشی بستگی داشت... گسترش کشت پنبه به سمت ایالات دور افتاده جنوبی در واقع ایجاب می کرد که انبوه بردگان را از ویرجینیا و کارولینا به سوی آلاباما و می سی سی پی رهسپار سازند. برخی با صاحبان خود مهاجرت می کردند؛ شاید یک میلیون تنی از آنان را از نزدیکانشان جدا ساخته باشند تا از طریق بازارهای برده فروشی نیو اورلئان به فروش برسانند و به کشتزارهای دورافتاده جنوب بکشانند. به استثنای داد و ستد بردگان افریقائی به مقصد برزیل، فروش بردگان سیاه پوست بین ایالات امریکا بواسطه حجم آن از تمام داد و ستد های از راه دور در قرن نوزدهم فراتر می رفت.

حتی جدی ترین مورخان برده داری تا همین اواخر انتقال بردگان در داخل ایالات متحده را نادیده گرفته یا سرسری انگاشته بودند. از این پس پژوهش های مهم نه فقط شمار بردگانی را در نظر می گیرند که میان ایالات امریکا داد و ستد می شد، بلکه به بررسی تجربه پیچیده جابجائی

و فروش آنها نیز می پردازند. این «گذار» بردگان میان ایالات نمایانگر افق تازه ای برای پژوهش تاریخی از منظر امریکاست. اگر آن «گذار» دیگر برده فروشی، یعنی برده فروشی از مسیر اقیانوس اطلس نیز همچنان گونه ای از افق پژوهشی باقی مانده، مشخصاً به دلیل شور و احساساتی است که شمایل سازی برده داری برانگیخته است. تصاویر کشتی هائی که بندگان را در اوضاعی غیر بشری در هم فشرده بود همانقدر تندیس وار شده اند که تجسم تازیانه و گوشت های به تن دریده بردگان. در واقع هواداران الغاء بردگی ابتدا برده فروشی را به این امید اماج حمله خود کردند که منع آن، بردگان در کشتزارها را از حال و روز مادی بهتری برخوردار سازد.

الغاء برده فروشی همان الغاء بردگی نبود که به زمانی بیشتر و مداخله سیاسی فعالی از سوی خود بردگان نیاز داشت. اما هواداران الغاء بردگی توفیق یافتند چنان کنند که بریتانیای کبیر در سال ۱۸۰۷ مانند ایالات متحده در سال ۱۸۰۸ به طور رسمی از خرید و فروش سیاهان (۴) دست بردارند. بریتانیایی ها سپس نیروی دریائی خود را علیه قاچاقچیان که فعالیت های برده فروشی را به مقصد کوبا و برزیل همچنان دنبال می کردند به کار انداختند و در میانه قرن نوزدهم سرانجام بر آنها پیروز شدند.

می توان توضیحی برای تأثیر نیرومند شمایل نگاری «گذار بردگان» از اقیانوس اطلس بر وجدان ها یافت. در عصری که جامعه بشری به سوی عصر روشنائی و انسان دوستی گام برمی داشت، حساسیت های فرهنگی تازه ای درباره خانواده، جنسیت و پیکر انسان ها برانگیخته شد. گذار افریقائیان از اقیانوس اطلس، آنان را از تار و پود و علقه های خانوادگی و طایفه ای بر می کند و طی روزها و هفته ها در انبار کشتی ها بر روی یکدیگر در هم می فشرد و در چنان هراس و رنج انبوهی غوطه ور می ساخت که کم نبودند بردگانی که به حیات خویش خاتمه می دادند.

آثار آن عذاب وصف ناشدنی است. در چند دهه اخیر به عناصر تازه ای درباره مرگ و میر هنگام گذار از اقیانوس اطلس دست یافته ایم که مصیبت بارند. کرتن عقیده داشت که بطور میانگین از هر ده برده ای که در کناره افریقا به کشتی های برده کش سوار می کردند، دو تن پیش از رسیدن به قاره امریکا جان می باختند. پژوهش های تازه تر تأکید کرده اند که مرگ و میری به میزان ۲۰ در قرون شانزدهم و هفدهم عادی بوده است. هرچه روزهائی که بر روی دریا سپری می شد پرشمار تر بود تلفات بیشتری به بار می آورد. وقتی نقطه عزیمت این داد و ستد تغییر مکان میداد، هم زمان پیمودن مسیر و هم میزان مرگ و میر کاهش می یافت. برده فروشی به مقصد برزیل سرانجام به پائین ترین سطح تلفات (حدود ۶) رسید و در پایان قرن هجدهم میانگین مرگ و میر بردگان آن کشور به کمتر از ۱۰ کاهش یافت.

غریب تر از همه آنست که ما هنوز تقریباً هیچ چیزی از روایت تجربه مستقیمی از آنچه بر بردگان و ملاحان هنگام گذار از اقیانوس گذشت نمی دانیم. گزارش رویدادها بر عرشه کشتی ها آگاهی هائی در باره امور روزمره سفر، طرح های ناخدا و نیز کمپانی هائی سوداگر این تجارت بدست می دهند، اما از چشم انداز بردگان یا خدمه کشتی ها و یا کسانی که برای گرداندن کار آن ها، می گماشتند چندان چیزی نمیدانیم. و این میان مناسبات بردگان و خدمه کشتی ها و رابطه بردگان میان خود چگونه بود؟ دشوار نیست بتوان پنداشت که چگونه خشم و غیظ می توانست با سردرگمی، تن به قضا و قدر دادن، افسردگی، فتنه انگیزی، دسیسه چینی و شورش های گاه و بیگاه به هم آمیزد. تاریخ اجتماعی و فرهنگی داد و ستد برده از مسیر اقیانوس اطلس هنوز چنانکه باید زبان باز نکرده است.

پاورقی ها

۱- نگاه کنید به دیوید الیس، رشد اقتصادی و پایان تجارت برده از

منطقه هم خوراک تبلیغاتی برای جلب افکار عمومی فراهم می نماید و هم بهانه لازم برای فشارمستقیم به ایران از جمله حمله نظامی بدست میدهد.

## عملیاتهای جنگی در راستای تغییر توازن قوا وصف آرائیهای موجود در منطقه



متعاقب تهاجم نظامی اسرائیل به نوار غزه و تداوم به گیر و بیند و کشتار فلسطینی ها و اینک حمله نظامی به لبنان توسط رژیم اسرائیل به یک جنگ رسمی و تمام عیار دیگری در منطقه تبدیل شده است. هر دوی این حملات به بهانه ربوده شدن سربازان اسرائیلی توسط نیروهای مقاومت فلسطین در نوار غزه و حزب اله در جنوب لبنان آغاز شده است، اما شواهد و قرائن حاکی از آن است که این حملات نه بمنظور آزادی سربازان اسرائیلی بلکه آغاز تهاجم نقشه مندی است که در راستای سیاست خاورمیانه ای آمریکا سیر میکند.

تشدید عملیات تهاجمی گسترده علیه فلسطینیها در نوار غزه دستگیری اعضای دولت و پارلمان این کشور، بمباران تاسیسات، مناطق مسکونی و جاده ها و فرودگاه های لبنان و محاصره آن کشور، تشدید و گسترش دامنه عملیات نظامی در عراق، اعلام دست داشتن ایران و سوریه در اسارت سربازان اسرائیلی و دادن التیماتوم به سوریه و تهدید به حملات هوایی به این کشور و.. وتوی قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل درباره توقف جنگ توسط آمریکا و.. حکایت از آن دارد که این عملیاتهای جنگی در راستای تغییر توازن قوا وصف آرائیهای موجود در منطقه و نیز بمنظور پیشگیری از خطرات احتمالی برای اسرائیل در یک

رویارویی نظامی احتمالی آمریکا با ایران طرح ریزی شده است. عملیات پیشگیرانه ای که امکانات ایران را در منطقه بویژه در لبنان و فلسطین برای فشار به غرب محدود میکند و با کشاندن پای ایران به درگیریهای

ادامه

## در آستانه سنگسار !!

### از دل افریقا تا کشتزارهای دنیای جدید رویکردهای آمریکائی به تاریخ برده داری

گذار اقیانوس اطلس، انتشارات دانشگاه اکسفورد، نیویورک، ۱۹۸۷؛ ژوزف میلر، مسیر مرگ: سرمایه داری سوداگر و تجارت برده آنگولا، ۱۸۳۰-۱۷۳۰، انتشارات دانشگاه ویسکانسین، مدیسون، ۱۹۸۸

۲- نگاه کنید به جان تورنتون، افریقا و آفریقائی ها در ساختن جهان آنسوی اقیانوس اطلس، ۱۸۰۰-۱۴۰۰، انتشارات دانشگاه کمبریج، نیویورک، ۱۹۹۸.

۳- نگاه کنید به هربرت اس کلین (زیر نظر)، تجارت برده در گذار اقیانوس اطلس، انتشارات دانشگاه کمبریج، نیویورک، ۱۹۹۹

۴- در فرانسه در تاریخ ۴ فوریه ۱۷۹۴ (۱۶ ماه پلویوز سال دو [به تقویم انقلابی])، کنوانسیون [حکومت موقت انقلابی] فرمان الغاء برداری را به تصویب رسانید. این نخستین الغاء هیچگونه اثر واقعی در مستعمرات به بار نیاورد.

Steven HAHN نوشته

برگرفته از لوموند

ملک قربانی ساکن نطقه دیگری از قربانیان نظام جهل و خرافه حاکم بر کشور است که بنا به گزارش سازمان آزادی زن «در دادگاه به سنگسار محکوم شده بود، در تاریخ ۲۴ ژوئن حکم خود را از مسئولین زندان ارومیه دریافت کرد. این خبر از طرف کمیته بین المللی علیه سنگسار هم تأیید گردیده است. ملک قربانی زن جوانی است که در چند ماه گذشته در زندان ارومیه زندانی است. چند ماه پیش برادر و همسر وی مردی را که در خانه ملک بود به قتل میرسانند و ملک را هم تا حد مرگ با ضربات چاقو روانه بیمارستان میکنند. ملک که بدلیل جراحات وارده مدتی در بیمارستان بسر برده بود، اکنون در دادگاه به سنگسار محکوم شده است.» بدین ترتیب نظام ارتجاعی حاکم و سنت ها و باورهای عقب مانده ای که توسط سردمداران و مبلغین آن در جامعه ترویج میکنند مترصد سنگسار زن دیگری هستند. جامعه ای که در مقابل این وحشی گریها نایستد و انسانهایی که در برابر این اعمال وحشیانه دست روی گذاشته و نظاره گر باشند شایسته آن خواهند بود که سالیان متمادی دیگر در فقر و فلاکت و جهل و خرافه زندگی خود را تباه کنند. با اعتراض به این همه جنایت باید متحد شد و در مقابل ظلم ستم و استثمار و سیه روزی ایستاد.

# کار کمونیستی

زیر نظر شورای مرکزی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست  
منتشر میشود.

آدرس پستی نشریه

kar-Co  
Box 100 63  
400 70  
SE-GBG Sweden

فاکس اتحاد فدائیان کمونیست

+۶۱ ۳۱۷۷۹۲۵۷۱

سایت سازمان در اینترنت

[www.fedayi.org](http://www.fedayi.org)

روابط عمومی [webmaster@fedayi.org](mailto:webmaster@fedayi.org)

شورای مرکزی

[centralconcil@fedayi.org](mailto:centralconcil@fedayi.org)

نشریه کار کمونیستی

[kar@fedayi.org](mailto:kar@fedayi.org)

کمیته کردستان

[kurdistan@fedayi.org](mailto:kurdistan@fedayi.org)

کمیته آذربایجان

[azer@fedayi.org](mailto:azer@fedayi.org)

امور پناهندگی

[panahjo@fedayi.org](mailto:panahjo@fedayi.org)

## بیانیه آی ال او - بروکسل

کمیته آزادی شکل های کارگری کنفرانس آی ال او

هیئت اداره کننده همچنین ۲۴۳ گزارش ارائه شده توسط کمیته آزادی برای  
تشکل های کارگری آی ال او را تصویب کرد. در نشست ماه ژوئن، این کمیته ۱۳  
مورد را بررسی کرد.

(بخش مربوط به ایران - صفحات ۲ و ۳)

کمیته آزادی شکل های کارگری همچنین توجه هیئت  
اداره کننده کنفرانس را به مورد جمهوری اسلامی ایران  
جلب کرد. این کمیته در جمع بندی های مقدماتی خود  
برای دومین بار بازداشتها و دستگیری های غیر قانونی  
و محکومیت رهبران چندین اتحادیه کارگری را بخاطر  
فعالیت های اتحادیه ای و تجاوز خشونت بار پلیس به  
تظاهرات، اعتراضات و راهپیمایی روز اول ماه می سال  
۴۰۰۲ مورد توجه قرار می دهد.

در حالیکه این کمیته از آخرین اطلاعات در مورد تبرئه  
چهار فعال اتحادیه ای از جرایم قطعی ابراز خرسندی  
می کند، بطور جدی از دولت می خواهد که همه جرایم  
دیگر را هم لغو کند. این کمیته همچنین از دولت می  
خواهد که یک گروه تحقیق و تفحص مستقل برای  
بررسی اتهامات، تهدیدها و تجاوزات وزارت اطلاعات  
به فعالان اتحادیه کارگری تشکیل دهد و این کمیته را  
در جریان نتایج قرار دهد.

در مورد تجاوز خشونت بار پلیس به اعتصابات،  
اعتراضات و راهپیمایی اول ماه می، این کمیته تقاضا  
دارد که دولت اقداماتی را در پیش بگیرد تا مطمئن شود  
که مقامات دارای صلاحیت برای حذف حبس های  
خطرناک با استفاده از خشونت های بیش از حد آموزش  
های کافی دیده اند.